

متن سخنرانی احمد شاه قادری مسوول کمیته حزبی ،

حزبی های شهر هامبورگ*

مهمانان گرامی دوستان عزیز و رفقای عالیقدر بهمه شما سلام
حاضرین گرامی!

ما امروز گرد آمده ایم تا یادی از مردی کنیم که در تاریخ افغانستان اولین زعیمی بود که بگفته اش مردانه وار ایستاد و آنچه گفته بود با دادن جان به معنی واقعی کلمه یعنی رفتن به پایه دار عملی کرد.

باری او در اجتماع بزرگی از رفقای حزبی و شهریان کابل و مردمی که جهت دفاع وطن شان از هر گوشه و کنار جمع شده بودند گفتند " یا وطن یا کفن " بلی هموطنان عزیز او کفن پوشید و حرفش را که خاصه مردان با شهامت ، راستکار و شجاع است عملی کرد .

او داکتر شهید نجیب اله رییس جمهور پیشین افغانستان و رییس حزب وطن بود.

شهید داکترنجیب امروز میان ما نیست ، ولی صدای رسا و مردانه اش هنوز هم طنین انداز گوشههاست ، گوشه‌های که مربوط به اقشار مختلف جامعه دارای راه و روش مختلف سیاسی اند ، آواز و عمل او تنها در حزب و میان رفقای حزبی او ابدی نشد ، بلکه میان مردم افغانستان منحیث صدای واقعی مرد افغان ، زعیم دلیر و وطن پرست جا گرفت و یادش در دلها نشست. روحش شاد باد.

رفقای عزیز!

شهید داکتر نجیب در آوان جوانی وقتا که جریان دموکراتیک خلق افغانستان فضای تاریک و تیره سیاسی چندین دهه افغانستان را درید و راه را برای مبارزه علیه استثمار و استعمار گشود، دیری نگذشت که او به آن جنبش پیوست.

او از آوان جوانی، ایام متعلمی در مکتب حبیبیه و بعداً در جریان تحصیلش در فاکولته طب کابل از برازندگان حزب ما بود. او درک واقعی از راه مبارزه را بیشتر و ضرورت جامعه را خوبتر درک کرده بود.

او جوانی بود پر از عطش کار، پر از امید صلح، آرامش و رفاه کشورش، آرزویی که او در دل میپروراند، آرزویی بود که همه انسانهای خوش قلب، پاک نیت و مبارزان راه حق و عدالت می پروراند.

رفیق نجیب جوانی بود خون گرم ولی تابع منطق و درایت سیاسی اش نه احساسات جوانی. او روز تا روز در پیشرفت حزبش میان مردم تکامل میکرد و جایش را میان رفقای حزبی اش وسیع تر میساخت.

او تا رسیدن حزب مان بقدرت، جایش را میان رفقای حزبی اش از سطوح بالا تا پایین تثبیت کرده بود.

رفیق شهید داکتر نجیب در دوران قدرت دولتی حزب خودش که جبراً مجبور به ترک وطن شده بودند و سفری هم به آلمان داشتند در دیداری گفتند "رفقا من که این جامعه را میبینم و در مقایسه با جامعه خود میسنجم، رنج میبرم، روزی خواهد رسید که مردم ما رنجی از بی نانی، بی آبی، بی برقی و بیخانگی و دیگر ضروریات اولیه خود نداشته باشند؟ و خود جواب دادند "بلی آنروز دور نیست اگر حزب ما با مرام عالی اش دو باره در مسیر اصلی خود قرار گیرد، وظیفه ماست که آنروز را

بیاوریم" بدان شرط میشود که ما مقابل همدیگر صادق باشیم و همدیگر را تقویه کنیم. و بر خورد ما رفیقانه باشد. به آن هدف نایل می‌آییم او مکشی کرد و گفت ولی افسوس که با ما بازی میشود. چاره چیست؟ ولی نباید مایوس بود باید رزمید، مبارزه همین است."

برایش گفتم، یلی رفیق نجیب بازی‌ها بزرگ‌اند و ما کوچک، چه باید کرد؟ بعد سکوتی گفت "بلی بازی‌های بزرگ را نیروهای قوی راه می‌اندازند، ما اگر متحداً عمل کنیم در قاره آسیا بزرگ و قوی باشیم که می‌شویم چون ما با ایدیولوژی که پیامد آن عدالت اجتماعی است با هم پیوند خورده ایم، اگر متحد باشیم نیرو می‌شویم بزرگ می‌شویم، آنوقت ما هم مقابل جهان بازی بزرگ خواهیم داشت. گفتند تا ریشه در آب است امید ثمری است."

او مردی بود دارای مرام عالی هومانیزم و راهی را که پیش گرفته و پسندیده بود مردمی بود او براهی تعهد سپرده بود که مبارزه علیه امپریالیزم را تعیین کرده بود مبارزه علیه استثمار و استعمار مبارزه برای جامعه بدون طبقات که در آن تساوی حقوق و عدالت اجتماعی سر مشق عملگران آن باشد.

رفیق داکتر نجیب شهید رفیقی بود آگاه و در تطبیق پلانهایش با جرات، شجاع و در اجرای اموری که بوی سپرده میشد دقیق، با مسئولیت و بدون حراس عمل میکرد.

آنزمان که پس از شش جدی از طرف حزب و حکومت دموکراتیک خلق افغانستان به ایشان وظیفه سپرده شد تا اداره امنیت را پاککاری و بازسازی کند در فرصت کمی توانست دستگاه خدمات دولتی را که بعداً بنام وزارت امنیت مسمی گردید، بازسازی مکمل و مرجع قوی برای دفاع از مرام دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بسازد. او میدانست که بدون درک و کشف عمل دشمن، دست بعمل مقابل و دفع،

کاریست دشوار، لذا دست بکار شد و با ساختن آن وزارت که دژ محکمی در مقابل اعمال رهبری شده تروریستی سیاه دلان سله سفید گردید، پرداخت.

باری مجله شپیگل آلمان که یکی از مشهورترین مجلات اروپاست در مورد وی نوشته بود. "اگر اداره خاد پهلوی ح. د. خ ا نمی بود، حکومت افغانستان زود به سقوط مواجه میشد."

آری، در راس چنین اداره معتبر داکتر نجیب اله شهید قرار داشت. آن وظیفه را که حزب و دولت برایش سپرده بود مدبرانه اجرا کرد.

او در اداره خوب وارد و چشم شناس داشت. خواص رفقاییش را میدانست طرز صحبت او در ارگان کاریش با هر رفیق هم‌رزمش خاطره ایست که هر رفیق از او جداگانه بدل دارد.

رفقای گرامی!

حوادث چنان آمد که امروز چنین است. وقتی که برای حزبی یا دولتی سیاست از بیرون تعیین گردد. جای شکی نیست که مبارزه برای تعیین سرنوشت خود و حزب خود برای یک زعیم، کاریست دشوار و بس مشکل.

برای رفیق نجیب در عین جوانی در حالی زعامت افغانستان داده شد و زمانی منحیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان انتخاب شدند که اوضاع سیاسی جهان و جنگ سرد وارد مرحله دیگری شده بود. برخورد ها و قضاوت ها هم متفاوت شده بودند.

در کنگره دوم ح د خ ا که رفیق نجیب منشی عمومی آن بودند و حزب ما با اتفاق آراء تمام شرکت کننده گان (صرف دو سه رای مخالف) بنام حزب وطن مسمی گردید. رفیق نجیب بحیث رئیس آن انتخاب شدند.

وقتی رفیق نجیب شهید در راه مصالحه ملی قدم گذاشتند و خواستند آنچه را که پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی ح د خ ا فیصله کرده بود به ابتکار خودش و جدیت تمام در مرحله اول در صدر مبارزه بخاطر رفاه افغان و افغانستان قرار دهند که دادند و در صحبت و تفاهم را برای صلح و آرامش با مردم و حتی مخالفین گشودند. بدبختانه دشمنان حزب و مردم از داخل و خارج به جدیت دیگری در ضدیت دست بکار شدند.

روزیکه رفیق نجیب شهید صدا کردند " انا المومنین اخوت فاصلحو بین اخویکم " تصویر حزب ما نمایش دیگری گرفت و دشمنان قسم خورده دست و پاچه شدند. تکتیک ضدیت با نجیب و حزبی که او مسئولیتش را بدوش داشت فرق کرد. اما او نترسید و مردانه وار مشی مصالحه ملی را روز تا روز با ابعاد گسترده تری پیش کشیدند.

او اقوام ملت افغانستان را به صلح و آشتی دعوت میکرد. او در دیداری با مردم گفتند " برادران نجیب تانک، توپ ، طیاره در اختیار دارد. هر نقطه افغانستان را که بخواهد در یک ساعت از بین برده میتواند. ولی چرا برای چه و برای کی. کی کشته میشود؟ از هر دو طرف هر که کشته شود افغان است. برادر من است. چرا ما با این کار عمل دشمن را انجام دهیم نی برادر بیایید در پشت پیتو کنده بزنیم هر که ملامت شد بد بدهد." این گفته او خانه بخانه مردم در داخل و خارج کشور متن صحبت فامیلها بود. او میخواست راه مفاهمه را با مردم باز کند. باری در دیدار شان یا مردن در خطاب شان بمردم گفتند. " نجیب خدمتگار شما با کمال آرزومندی های نیک برای سعادت و خوشبختی مردم افغانستان و سر فرازی ملت غیرتمند و صلح دوست افغانستان اظهار میدارم که هر جا و در هر موقفی که قرار داشته باشم برای افغانستان می اندیشم ، قلبم روحم و روانم با شماست برای وحدت و یک پارچگی مردم افغانستان و سعادت ، سرخرویی و سر بلندی شان دعا میکنم."

او اوضاع سیاسی جهان و خاصتاً موقف کشورش را خوب درک کرده بود که در یکی از صحبت‌های شان گفتند. " سیزده سال اخیر ثابت ساخت که بدون همکاری متقابل ، واقع نگری غلبه بر دشواری ها و مشکلات موجود در کشور نا ممکن خواهد بود."

رفقا و مهمانان عزیز!

آن گفته های مدبرانه و پیش بینی های سنجیده شده او از عواقب جنگ و تشریح خواص همه بنیادگرایان و جنگسالاران استخدام شده بود که جای او را در دلها باز کرد.

شهید رفیق نجیب میخواست تمام نیرو ها را بیک قوه منسجم دور هم جمع آورده آشتی داده و همه راه بطرف صلح در راه آبادی کشور سوق بدهد.

رفقای عزیز ،

رفیق داکتر نجیب مشی مصالحه ملی را به جدیت براه انداخته بودند . ولی مکثی بالای آن را لازم میدانیم.

مصالحه ملی زاده آن زمانی بود که جنگ خانمانسوز از هر طرف زبانه میکشید و روز تا روز خون افغان ریخته میشد . نفاق میان ملیتهای افغان بیشتر شده و تخم دشمنی هر چه بیشتر پاشیده میشد. راه دیگری نمیتوانست این همه خونریزی و قتل و قتل را خاتمه دهد. فقط راه صلح و آشتی ملی بود که میشد به آن هدف عالی نایل آمد. که بدبختانه با وجود قطع جنگ یکطرفه از طرف دولت افغانستان ، هم نشد که جنگسالاران در اثر دستور بداران شان دست از جنگ بردارند. و مصالحه به ناکامی انجامید.

رفقای عزیز مصالحه واقعاً کاریست عالی و عمل انسانهای با دانش و چیز فهم. ولی ما امروز در حالت دیگری قرار داریم اگر حرف از مصالحه میزنیم باید بگویم از طرف

کی با کی در حالیکه هم اکنون مصالحه میان همان نیروی بزرگ که در یک جبهه در یک حزب تحت رهبری همان رفیق جوان ما شهید داکتر نجیب کار میکردیم نتنها از هم پاشیده ایم بلکه در جنگ لفظی و قلمی قرار داریم مصالحه که ما بدان امروز ضرورت داریم، اتحاد است.

همچنان باید یاد آور شد که در اخیر دوران اخیر حکومت حزبی ما اشتباهاتی نیز صورت گرفت که نباید نا دیده گرفت . بطور مثال:

عجله بی انتها در پیشبرد مصالحه ، اشتباهات در تعیین و نصب عده ای کادر ها ی بیتجربه در وزارت های دفاع و داخله در راس کار، که این دو وزارت را به دو پارچگی کشانده و مشکلات زیادی را ببار آورد. البته گفته میتوانیم که حزب ما جبراً و مجبوراً به عملکرد دستورات از بیرون آمده هم بودند که بدبختانه در درون یک حزب دو حزب را در حرکت آورده بودند که بهمه مشهود بود در یک کلمه بگوییم، رفقا : ما ، حزب ما و شهید داکتر نجیب ما ن فدای سیاست پشت پرده ای شدیم که در اثر توافقات دوست نمایان شوروی سابق و دشمنان دیرینه افغانستان و حزب قهرمان ما یعنی سردمداران امپریالیزم بوجود آمده بود.

دو اصل عمده پهلوی دیگر عوامل مدلل ادعای ماست:

یک ، تقویۀ دوجانبه و دو طرفه هیات های شوروی در هنگام کودتای سازمان داده شده بهمه معلوم بود . از یکطرف بطرفداری رفیق نجیب با او دیدار ها میکردند و از طرف دیگر مخالفین او را به کودتا تشویق میکردند. که بالاخره در اثر همین کودتا ضربه ای شدیدی بر پیکر حزب وارد آمد.

دو، استقبال گرم شوروی به سویه روسای دولت از برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی در شهر ماسکو و شناسایی او بحیث اولین رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان ، در حالیکه رفیق نجیب شهید رئیس جمهوری بر حال کشور افغانستان بودند.

سه، نارضایتی های قوت‌های وابسته به حزب و دولت در صفحات شمال کشور نیز یکی از علل سقوط حزب و دولت ما بود این بود نتیجه بازی بزرگ که با ما صورت گرفت.

حال سخن بر آن است که چه باید کرد

راهی را که رفته بودیم در نیمه باید گذاشت؟ خون آنهمه رفیق شهید را فراموش کرد؟ و یا در تکمیل آن راه کوشید؟

رفقا ، در مورد انحلال حزب ما هیچ نوع اعلامیه ای رسمی از طرف حزب ما صادر نگردیده است. هر حزب سیاسی بعد از دست دادن قدرت دو باره تنظیم تشکل میدهد ولی حزب ما با از دست دادن قدرت از یکطرف و از دست دادن رهبران سالم اندیش خود از دیگر طرف و خموشی بی انتهای رهبران باقی مانده از هر طرف در بی سرنوشتی قرار گرفت . این وظیفه ما و شما است تا به این جسم نیمه جان ، جان داده و دوباره آنرا بحرکت در آوریم . برای اینکار نظر ما چنین است .

۱ - لازم است تا تمام نیرو های متلاشی شده از حزب وطن در مصالحه و آشتی نشسته نیروی دیروزه را بوجود آوریم.

۲ - مصالحه با تمام نیرو های دموکراتیک و ترقیخواه جهت تقویه ای جبهه روشنگر داخل افغانستان.

۳ - تشکیل جبهه متحد ملی برای بوجود آوردن اوپوزیسیون قوی مقابل دولت بخاطر تامین صلح و رفاه عامه .

آنوقت است که میتوان از مصالحه صحبت کرد ، نه در جنگ و تک روی.

حضار محترم

این روزی که بیاد ده سالگی شهادت رفیق نجیب رفیق جوان ما برگذار گردیده است شاهد این مدعای ما رفقای هامبورگ که هنوز به هیچیک گروه و حزبی که از بدنه اصلی حزب وطن جدا شده اند نپیوسته ایم ، است. تا متحدانه زیر یک چتر بزرگ خانواده حزبی خود جمع نگردیم از خود خواهی ها در ظاهر و باطن نگذریم و مقابل رفقای خود صادق نباشیم دیری نخواهد گذشت که انگشت تعجب را بدنمان خواهیم گزید آنوقت دیر خواهد بود.

رفقا هر گاه صلح و آشتی رفقای ما تامین گردد ارواح رفقای شهید ما شادتر خواهد گشت. رفقا وحدت راه نجات ما و کشور ما از مضیقۀ فعلی است.

در اخیر تمنا دارم که روح شهید داکتر نجیب اله و تمام شهدای راه آزادی و دموکراسی در افغانستان شاد باشد.

بیک فردی که رفیق داکتر نجیب شهید همیشه میگفتند صحبت را خاتمه میدهم:

حو د توان رسی په لوی در یاب کی گرچه

په ویالی کی دی زوال وینم نهنکه

از تحمل شما تشکر.

* احمد شاه قادری در شروع سخنرانی خویش در کنفرانس اظهار نمود که: کمیته مذکور در نشست ۱۶ سپتمبر ۲۰۰۶ اعضای کمیته به ، « کمیسیون مؤقت تفاهم و وحدت اعضای سابق حزب وطن در هامبورگ » تغییر نام داده است.